

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

حزب کار ایران - توفان

۰۶ مارچ ۲۰۱۳

هواپیمای تروریست بی سرنشین و سرنشینان تروریست هواپیما

استفاده از هواپیماهای بی سرنشین برای انجام عملیات نظامی و تروریستی به یک مشکل رقابتی امپریالیست بدل شده است. بورژوازی امپریالیستی که از این هواپیماها برای پیشبرد مقاصد نظامی اش بهره می برد، حال باید آن را با قوانین کشوری و پیمانهای منعقدۀ جهانی همساز و برای فریب افکار عمومی در کشورهای خودی آرایش کند. حقوق دانان امپریالیستی بر سر خود می زنند که تعریفی برای تروریست خوب و تروریست بد پیدا کنند و فعالیتهای خویش را بدون این که نظام ترک بر دارد و دستش رو شود با یاری عبارات و کلمات توجیه کنند. جمهوری اسلامی ایران خیالش از هر جهت آزاد است و این "مشکلات" ممالک امپریالیستی را ندارند. در ایران قوه های قضائیه و مقننه حرف مفت هستند و تنها قوه مجریه است که حرف آخر را می زند. در رأس این قوه مجریه شخص ولی فقیه نشسته است و دستورات "الهی" را که با منافع سیاسی اقتصادی اش می خواند، ابلاغ می کند. ولی فقیه که حتما مشاورانی دارد، حرف آخر را بر زبان می راند و کس دیگری حق ندارد روی حرف نماینده خدا در روی زمین بلند شود و خطر تکفیر شدن را به جان بخرد.

مثلاً ولی فقیه و یا مشاوران نزدیکش تصمیم می گیرند به قتلهای زنجیره ای دست بزنند. برای آنها روشنفکران، تروریستهای هستند که بیماری فرهنگ غرب را با خودشان آورده اند و باید با این قتلهای درمانی جامعه را از خطر شیوع بیماری آنها در امان نگهداشت. "دکتر" علی خامنه ای و "دکتر" رفسنجانی و "دکتر" علی فلاحیان و "پروفسور" مصباح یزدی مشترکاً و یا قسماً تشخیص این بیماری را داده اند و داروی ترور را برای آن تجویز کرده اند. آنها تروریست را تعریف کرده اند و مجازات تروریستها قتل است.

این "دانشمندان" نیازی به هواپیمای بی سرنشین ندارند. آنها خودشان سرنشینان هواپیما را وارد کشورهای مفروض می کنند و بعد از انجام عملیات آنها را مجدد سوار هواپیما کرده و به عنوان سرنشینان هواپیما به ایران بر می گردانند. همین کار را زمانی که رفیق ما حمید رضا چیتگر (بهمی) را در وین ترور کردند انجام دادند و هم زمانی که شاپور بختیار، قاسملو، شرفکندی و... را در خارج به قتل رساندند. رژیم جمهوری اسلامی نیازی به هواپیمای بی سرنشین برای ترور ندارد، نیاز به سرنشین تروریست دارد. سرنشینان تروریست جمهوری اسلامی هیچکدام قاچاقی از مرز نمی گذرند. همه آنها قبلاً از کشورهای مربوطه با نام و مدارک جعلی تقاضای روادید می کنند و به انجام عملیات تروریستی می پردازند. قبل از اقدام به عمل تروریستی هیچ دادگاهی برای متهم تشکیل نشده است. متهم از دارا بودن

حق وکیل برخوردار نیست. حتی متهم دلایل پیگرد خویش را نمی داند، زیرا این دلایل به وی تفهیم نشده است و تشریفات قانونی ضروری انجام نگرفته است.

مسئولان جمهوری اسلامی به هیچ بنده ای پاسخگو نیستند و از رو شدن دستشان نیز نباید هراس داشته باشند، زیرا که با منطق آنها حکم خدا را جاری ساخته اند و بر اساس فتوای مراجع تقلید، قاتلان این متهمان تنها انجام وظیفه نموده اند. آنها نه تنها خطائی مرتکب نشده اند بلکه مسرورند که با جاری ساختن حکم خدا در خدمت دین گام نهاده اند. آنها هرگز وجدان ناراحتی نداشته و تصورشان بر این است که کار مفیدی به انجام رسانده اند.

ولی در ممالک امپریالیستی وضع طور دیگری است. اگر باراک حسین اوباما یک عمامه روی سر خودش بگذارد و خانم مرکل در المان چادر به سر کند، شاید بتوانند با همان منطق جمهوری اسلامی ایران عمل کنند. ولی آنها در این عرصه دستشان به کلی بسته است. شیوه آنها برای تقلید از جمهوری اسلامی حتی در ابعاد گسترده تر و جهانی، هجوم تبلیغاتی و مغز شویی است. آنها با ماشین عظیم تبلیغاتی و مغز شویی که ایجاد کرده اند، به این کار دست می زنند. آنها نیازی به حکم خدا ندارند، بلکه برای مردم لولوی به نام "اسلام سیاسی" می سازند که شامل تروریستهای است که در سراسر جهان پخش بوده و در ممالک زرخیز که زیر نفوذ آنها مانند ممالک عربستان سعودی و کویت و امارات و... نیستند، منافع حیاتی مردم جهان غرب را به خطر می اندازند. وقتی این لولو با نمایش "به موقع" چند صحنه دست بری توسط اره و ساطور و اعدام و گردن زنی و سنگسار در ملاء عام که صحت و سقمش قابل بررسی نیست به اندازه کافی ترسناک و خطرناک شد، وقتی همه را ترس برداشت که ممکن است آب و نان آنها به علت فعالیت این "تروریستها" قطع شود، خودش فضائی از وحشت و ترور خلق خواهد کرد که همه به صورت نهفته بر تروریسم دولتی امپریالیسم و صهیونیسم صحنه می گذارند. کسی بر زبان نمی آورد، ولی "بگویی نگویی" همه موافق ترور می شوند، کسی نمی خواهد وجدانش معذب شود، ولی همه از بمبهای موهومی که هر روز رسانه های گروهی ممالک امپریالیستی چند تای آن را در اخبار خویش "به موقع" قبل از انفجار کشف می کنند، به شدت می ترسند. کسی با آدم کشی در ملاء عام موافق نیست، ولی با نسل کشی در فرسنگها آنطرفتر که وجدان لطیفش را جریحه دار نمی کند، مخالفت "اصولی" ندارد.

سالاهاست که امپریالیست امریکا با هواپیماهای بی سرنشین به حریم هوایی ممالک مستقل تجاوز می کند و نه تنها افکار عمومی این ممالک برایش بی ارزش است، بلکه قوانین جهانی را که تجاوز به حریم هوایی ممالک عضو سازمان ملل متحد را محکوم می کند، نیز آشکارا نقض می کند. نقض حریم هوایی یک کشور مستقل در واقع آغازی بر نقض آشکار حریم مرزهای زمینی همان کشور است. یعنی برای امپریالیستها تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی کشورها حرف مفت است. مرزهای جغرافیائی جهانی را حد و مرز منافع امپریالیستی تعیین می کند. اگر تروریستهای جمهوری اسلامی برای انجام عملیات تروریستی تقاضای روادید می کنند و با اجازه به کشورهای متروپل وارد می شوند، امپریالیستها و صهیونیستها تجاوز به سایر کشورها را در هوا و زمین حق "قانونی" خود می دانند. آنها برای این تشریفات و حفظ ظاهر پیشیزی نیز ارزش قایل نیستند.

این سبک آدمکشی از زمان جرج بوش پسر در این حد گسترده رشد یافت. قبل از آن فرمان قتل سایر سران کشورهای مخالف امریکا از جمله برای مثال فیدل کاسترو توسط رئیس جمهور وقت امریکا صادر شده بود. این آدمکشی نامش در فرهنگ امپریالیستی تروریسم دولتی نیست. قبل از آن هواپیماها و هلیکوپترهای اسرائیلی با حمایت آشکار امریکائی ها وارد سرزمینهای اشغالی فلسطینی شده و افراد معینی را که از قبل مورد نظر قرار گرفته بودند، یافته و به قتل می رساندند. حتی تا آنجا پیش می رفتند که نه تنها متهم، بلکه همراهان وی را نیز نابود می کردند و از خسارات جانبی این عملیات تروریستی سخن می راندند. تروریسم دولتی صهیونیستها و امپریالیستها بر همه افکار عمومی جهان روشن

است و کسی نمی تواند اگر ریگی در کفش نداشته باشد و یا خودش تروریست و ریاکار نباشد به این همه جنایات آشکار صحنه بگذارد. "متهم" معمولاً در جلسات سری سازمانهای امنیتی صهیونیستی و یا امپریالیستی مستحق قتل تشخیص داده می شود و سپس به قتل می رسد. دست کسی هم برای دستگیری قاتل به جایی نمی رسد. همانگونه که خدای خامنه ای را نمی شود دستگیر کرد و مورد بازخواست قرار داد خدایگان سرمایه را نیز نمی شود دستگیر کرد و مورد بازخواست قرار داد.

اسرائیل بارها و بارها به خاک فلسطین و سوریه تجاوز کرده و با هواپیمای بی سرنشین و بی سرنشین آدم کشته است. امپریالیسم آمریکا به حریم هوایی ممالک یمن، پاکستان، افغانستان، ایران، عراق، سودان و سومالی و مالی و... تجاوز کرده و در پاره ای از آنها به اعدام و ترور "تروریستها" دست زده است. ترور امپریالیستی ظاهراً مورد تأیید است و فقط ترور اسلامی ترور بد محسوب می شود. مجاهدین خلق در لیست تروریستها بودند و از زمانی که پرده های بازی به کناری رفت و تسلیح آشکار آنها ضروری به نظر می رسد از فهرست اسامی تروریستها به در می آیند و به تروریستهای خوب بدل می شوند.

بنا بر آمار منتشر شده توسط ممالک امپریالیستی، آمریکا تا کنون بیش از دو هزار نفر را در ممالک نامبرده ترور کرده است. این افراد نه جرمشان معلوم بوده و نه هیچ دادگاهی در جهان آنها را به مرگ محکوم کرده بوده است. در ممالک امپریالیستی نیز قوانین قضائیه و مقننه تابع قوه مجریه هستند و تنها در شکلشان تغییری داده اند. بر اساس منطق امپریالیستی "تروریستها" دارای کوچکترین حقوق نیستند. آنها بشر نیستند و چون بشر نیستند حقوق بشر شامل حال آنها نمی شود. این وضعیت غیر قابل تحمل که همه با هم به صورت نهفته تحمل می کردند، زمانی با مشکل روبه رو شد که هواپیماهای بی سرنشین آمریکائی چند تن "تروریست تابع آمریکا" را بدون محاکمه و حضور هیأت منصفه و وکیل مدافع و رعایت تشریفات قانونی به قتل رساندند. از آن تاریخ این پرسش برای آمریکائی ها و اروپائی ها طرح شده است که حد و حدود این آدمکشی تا کجا مجاز است. آیا می شود اتباع آمریکائی را به همان سادگی اتباع پاکستانی و یا یمنی، افغان و یا ایرانی ترور کرد؟ آیا رئیس جمهور آمریکا می تواند از بالای سر قوانین قضائی آمریکا دستور قتل صادر کند. حال اگر کسی مدعی شد که فلان کس تروریست است و قتلش واجب، چگونه باید از وی طلب کرد تا تعریفی از واژه تروریست تحویل دهد. قتلهای اخیر توسط هواپیماهای بی سرنشین که حد و مرز آن دیگر مشخص نیست، به قدری مشکلات حقوقی خلق کرده که یا باید امپریالیسم نقاب خود را ببرد و اعتراف کند که همه قوانین باید تابع مصالح سرمایه مالی باشند و این که هر قانونی تنها تا جایی مجاز است که به اصل منافع سرمایه مالی خدشه ای وارد نکند و یا باید ریاکاری را به حد اعلی برساند و با چاشنی وقاحت بیامیزد. هم اکنون با یک نظر سنجی در آمریکا روشن کرده اند که ۸۳ درصد آمریکائی ها با ترور متهمان توسط هواپیماهای بی سرنشین، مشروط بر این که آمریکائی نباشند موافقت. این همه پرسشی نشانه نژادپرستی و بیماری همگانی است که با ویروس رسانه های گروهی شرکتهای خصوصی و دولتی امپریالیستی آلوده شده اند. این نشانه همان شست و شوی مغزی است که در جوامع امپریالیستی با ساختن لولوی "اسلام سیاسی" نهادینه شده است. این همان برخورد ریاکارانه و دوگانه به امر حقوق بشر، حقوق ملل و تروریسم دولتی جهانی است. کشتن انسانها و نقض همه حقوق به رسمیت شناخته شده جهانی جرم نیست، مشروط بر این که به ضرر آمریکا نباشد. این اکثریت نژادپرست محصول تبلیغات گوش کر کننده امپریالیستهاست که در بین ایرانی های خود فروخته نیز جای پای خود را باز کرده است.

در آلمان که در پی ساختن هواپیماهای بی سرنشین و یا خرید آنها از آمریکا یا اسرائیل است این بحث حقوقی مطرح است که آیا می توان **جانیان** را بدون محاکمه اعدام کرد. اگر می توان، پس چرا در آلمان حکم اعدام ممنوع شده است. اگر نمی شود، پس تکلیف تروریستها که همه بنا به تعریف جانی هستند و جرمشان جنایت است چه می شود؟ اگر

تروریست را که بر اساس تعریف المانی اش جانی است، می توان بدون حکم دادگاه و حضور هیأت منصفه و وکیل مدافع و بدون ابلاغ حکم به وی و انجام تشریفات قانونی با هواپیمای بی سرنشین در یک کشور بیگانه اعدام کرد، آیا می شود همان جانی را در داخل کشور المان با همان استدلال اعدام نمود؟ مرزهای حقوقی این منطق را چگونه باید کشید؟

بنا بر همان نوع برخورد اگر تروریست را "جنگجو" تعریف کنیم و نه "جانی" آنوقت کشتن وی در اثر شرکت در جنگ مانند کشتن یک سرباز حریف مجاز خواهد بود و نیازی به وصول حکم دادستان برای انجام عمل قتل نمی باشد. حقیقت این است که برای امپریالیستها هیچ مانع حقوقی برای نیل به مقاصدشان موجود نیست. همه قوه قضائیه را به راحتی یک خمیازه کشیدن در بستر قتلهای زنجیره ای قرار می دهند و رد پایش را محو می کنند. مشکل آنها در برخورد به خودشان است، نه دلسوزی برای یمنی، پاکستانی و یا فلسطینی و ایرانی. اگر تروریست جانی یمنی را می شود توسط هواپیمای بی سرنشین امریکائی اعدام کرد آیا اعدام تروریست المانی را هم می شود توسط هواپیمای بی سرنشین امریکائی پذیرفت؟ آنوقت تکلیف تروریستهای امریکائی و اسرائیلی و المانی و اروپائی که ممالک خاورمیانه را اشغال کرده اند چه می شود، اگر ایران هم هواپیمای بی سرنشین بسازد و تعریف تروریست را با تکیه به فقه اسلامی مطرح کند؟ می بینید که برای کتمان ریاکاری چقدر رقاصی لازم است.

بر گرفته از توفان شماره ۱۵۶ حوت ۱۳۹۱، مارچ سال ۲۰۱۳، ارگان مرکزی حزب کارایران

www.toufan.org

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیک (ایمیل).